



در خصوص مهریه

دکتر منصور مظفری*
مدیرمسئول

در حال حاضر بیشترین ورودی پرونده دادگاه‌های خانواده مربوط به مهریه است. هرچند بر این باور هستیم که اخلاق حرف اول را در زندگی زوجین می‌زند ولی از آنجایی که مهریه نیز مهم‌ترین پشتیبان زوجه می‌باشد و همچنین مباحثی که اخیراً در صحن مجلس شورای اسلامی مطرح و در فضای مجازی به آن پرداخته می‌شود نگرانی‌هایی را ایجاد نموده است.

مهریه (منقول و غیرمنقول)

در یک تقسیم‌بندی مهریه به منقول و غیرمنقول قابل تقسیم است. مال غیرمنقول را دفترخانه ازدواج نمی‌تواند به ثبت برساند. در این خصوص ابتدا مال غیرمنقول به نام زوجه در دفترخانه اسناد رسمی به ثبت می‌رسد و بعد از آن در دفترخانه ثبت ازدواج توسط سردفتر ازدواج به ثبت می‌رسد.

مال منقول مانند سکه، آئینه، شمعدان و گل توسط دفتر ازدواج ثبت و در دفترچه نکاحیه نیز قید می‌شود و مال معنوی مانند حق افتراع و یا ارائه خدمات آموزشی و خدماتی یا حتی ارائه خدمات پزشکی را می‌توان مهر قرار داد. و از آنجایی که مهریه باید مالیت داشته و قابل داد و ستد باشد و برخی مال هستند ولی قابل داد و ستد نمی‌باشند مانند اعضاء و جوارح بدن انسان که در این صورت این قبیل مال‌ها قابل مهر قرارداد نیست و در دفترچه نکاحیه نیز قید نمی‌شود.

به محض ازدواج و تعیین مهر زوج مدیون می‌شود. و تعهد مدیون نسبت به طلبکار در خصوص مهریه بصورت عندالاستطاعه و عندالمطالبه شرط می‌شود. در ادای دین از سوی مدیون زمانی که عندالاستطاعه است طلبکار به بدهکار می‌گوید هر وقت داشتی ادای دین کن و در عندالاستطاعه بدین مفهوم نیست که طلبکار بگوید هر وقت خواستم دینم را ادا می‌کنم که در این صورت از لحاظ حقوقی باطل است زیرا دین یک تعهد است و پرداخت آن را نمی‌توان به خواست مدیون موکول کرد. مطابق قانون مدنی زوجین می‌توانند بر سر مهر توافق نمایند و برای آن مدت بگذارند که در این صورت می‌توان برای تمام یا قسمتی از مهر مدت یا اقساط قرار داد و مهریه موجد صحیح ولی عقد نکاح موجد باطل است.

نکته دیگری که لازم است گفته شود اینکه دولت نمی‌تواند در تعیین سقف مهریه دخالت نماید زیرا دخالت در روابط خصوصی افراد ممنوع خواهد بود و تعیین سقف مهر توسط دولت مبنای علمی ندارد.

در پایان باید گفت قانون حمایت از خانواده کاستی‌هایی دارد که لازم است قوه قضائیه با همکاری قوه مقننه در این خصوص گام‌های اساسی بردارند.

آفتاب حقوقی

شنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۵ ● سال اول ● شماره ۵۶

سوالات حقوقی را برای ما بفرستید

شما به طرق زیر می‌توانید با آفتاب حقوقی ارتباط بگیرید

۱- ایمیل aftab.yz@gmail.com

۲- واتساپ- بله- تلگرام ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

برای رعایت حال مخاطبانی که به هیچ یک از موارد بالا دسترسی ندارند تلفن ۰۲۱-۸۸۳۲۸۷۴۳ و ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ (ساعت ۱۷ لغایت ۲۱) پاسخگو هستیم.
روابط عمومی آفتاب حقوقی

مدیرعامل برکنار شده ایران خودرو، مدیرعامل هپکو شد

پس از چندین ماه کش و قوس‌های فراوان بر سر انتخاب مدیرعامل هلدینگ هپکوی اراک، در نهایت مدیرعامل برکنار شده ایران خودرو، مدیرعامل هپکو شد. به گزارش خبرگزاری فارس از اراک، پس از حدود پنج ماه بحث بر سر انتخاب مدیرعامل شرکت هپکوی اراک، با تصمیم هیات مدیره و تایید سازمان تامین اجتماعی در نهایت حکم سرپرستی مهدی خطیبی به عنوان مدیرعامل این مجموعه عظیم صنعتی صادر شد. مهدی خطیبی اسفند سال ۱۴۰۱ و در پی تحقیقات وزارت صمت، به خاطر تخلفات صورت گرفته از مدیرعاملی شرکت ایران خودرو برکنار شد. تعدادی از کارگران هپکو که طی سال‌های گذشته همواره دغدغه مدیریت این مجموعه را داشتند، از این انتصاب ابراز نگرانی کردند و این انتخاب را در صلاحیت این مجموعه نمی‌دانند. آنان در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در اراک فشار گروه‌های سیاسی استان در انتصاب این مدیر اخراجی را عامل این انتصاب دانسته و گفتند: انتصاب یک مدیر اخراجی بدون تخصص در زمینه ماشین آلات برای آینده این مجموعه صنعتی خطرناک بوده و می‌تواند آینده هپکو را با خطر مواجه کند

نماینده نائین خبر داد؛ جلسه استیضاح میدری روز سه شنبه ۲۱ مهر در صحن مجلس الهام آزاد نماینده نائین و یکی از متقاضیان استیضاح احمد میدری وزیر تعاون گفت: این استیضاح احتمالاً در جلسه آینده مجلس در روز یکشنبه ۱۲ مهر اعلام وصول می‌شود و در روز سه شنبه نظارتی مجلس در صحن مجلس به رای نمایندگان گذاشته می‌شود. به گزارش خبرنگار بولتن نیوز، الهام آزاد نماینده نائین در مجلس شورای اسلامی گفت: گزارش کمیسیون اجتماعی مجلس در خصوص استیضاح احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به هیئت رئیسه مجلس ارسال شده است. وی افزود: احتمالاً در جلسه آینده مجلس در روز یکشنبه ۱۲ مهر این استیضاح اعلام وصول می‌شود و در روز سه شنبه نظارتی مجلس در صحن مجلس به رای نمایندگان گذاشته می‌شود. منظور نماینده نائین روز سه شنبه ۲۱ مهر است چرا که بعد از اعلام وصول استیضاح در صحن مجلس، وزیر ۱۰ روز فرصت دارد تا برای پاسخ به محورهای استیضاح در صحن مجلس حضور یابد. جلسه استیضاح احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با متقاضیان استیضاح بعد از ظهر سه شنبه ۳۱ شهریور در کمیسیون اجتماعی مجلس برگزار شد. در این جلسه حدود ۱۰ نماینده متقاضی استیضاح به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و وزیر هم پاسخ داد. برای این وزیر ۲ طرح استیضاح مطرح شد. طرح نخست با ۶۸ امضا و طرح دوم با ۶۴ امضا پیگیری شد. در این جلسه که با محوریت طرح‌های استیضاح سمیه رفیعی نماینده تهران و عباس گودرزی نماینده بروجرد (با حضور نمایندگان همچون الهام آزاد نماینده نائین، زهره سادات لاجوردی نماینده تهران، عباس بیگدلی نماینده تاکستان، علی خضریان نماینده تهران، امیر حیات‌مقدم نماینده ماهشهر و مجتبی یوسفی نماینده اهواز) برگزار شد، دغدغه‌های نمایندگان تجمیع و در نهایت استماع شد. وزیر هم توضیحات خود را ارائه کرد اما پاسخ‌های وزیر برای نمایندگان قانع کننده نبود و نمایندگان بر ادامه روند استیضاح در مجلس تاکید کردند. طبق آیین‌نامه، ادامه مسیر استیضاح منوط به حفظ نصاب امضاهاست؛ اگر تعداد امضاها بالای ۱۰ نفر باقی بماند، استیضاح طبق روال قانونی با ارائه گزارش کمیسیون اجتماعی به هیئت رئیسه مجلس، در صحن علنی مجلس مطرح خواهد شد و در آنجا نمایندگان تصمیم نهایی را اتخاذ خواهند کرد. بعد از نشست مشترک وزیر با متقاضیان استیضاح، علی خضریان در این زمینه اعلام کرد که در نهایت هیچ یک از نمایندگان متقاضی استیضاح وزیر از توضیحات وزیر قانع نشدند و تصمیم گرفتند که استیضاح را در صحن مجلس مطرح کنند.

رفتار عمومی؛ نظم اجتماعی و روان‌شناسی اطاعت از قانون



زهره دهقانی
پژوهشگر روان‌شناسی عمومی
و مدرس دانشگاه



پژمان غفوری
پژوهشگر حقوق عمومی
مدرس دانشگاه

نظم اجتماعی هنگامی پدیدار می‌شود که رفتار عمومی در پرتو قانون به مدار آرامش و طمأنینه نزدیک گردد و این امر زمانی تحقق می‌یابد که قانون در ذهن مردم به‌عنوان معیار مشترک زیست جمعی تثبیت شود و در جان آنان به‌صورت باور درونی رسوخ کند و هنگامی که این رسوخ معنایی شکل گیرد، اطاعت از قانون از سطح الزام بیرونی به مرتبه التزام درونی ارتقا می‌یابد و جامعه در مسیر اعتدال رفتاری قرار می‌گیرد و این حقیقت در

می‌گیرند و هرگاه این چهره‌ها قانون را رعایت کنند، این رفتار در جامعه تکثیر می‌شود و در روان‌شناسی این پدیده با عنوان یادگیری مشاهده‌ای شناخته می‌شود و هنگامی که این چهار ستون یعنی عدالت ادراک‌شده، اعتماد نهادی، هویت جمعی و الگوهای رفتاری در کنار یکدیگر قرار گیرند، جامعه به سمت نظم پایدار حرکت می‌کند و رفتار عمومی در مسیر مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرد و در چنین جامعه‌ای قانون به‌عنوان میثاق مشترک زندگی جمعی جلوه می‌کند و این معنا زیربنای امنیت روانی جامعه است و هرگاه این امنیت تقویت شود، شهر به سمت انسجام، آرامش و رفتار مسئولانه حرکت می‌کند و می‌توان با تقویت گفت‌وگوی اجتماعی، ارتقای رفتار حرفه‌ای نهادهای مجری قانون، آموزش عمومی حقوق شهروندی و مشارکت فعال جوانان، گفتمان قانون‌مداری را از سطح توصیه به سطح باور عمومی ارتقا داد و جامعه را به الگویی در حوزه نظم اجتماعی تبدیل کرد.

روان‌شناسی اجتماعی با عنوان پذیرش معنایی قانون شناخته می‌شود؛ یعنی انسان قانون را از سر فهم و ایمان رعایت می‌کند و این رعایت هنگامی پایدار می‌شود که عدالت ادراک گردد و اعتماد به نهادهای مجری قانون در جان مردم تقویت شود، زیرا مردم زمانی به قانون تمایل می‌یابند که نهادهای انتظامی و قضایی را امین، بی‌طرف پاسخ‌گو و برخوردار از رفتار انسانی بدانند و هرگاه این اعتماد تقویت شود، هزینه‌های حکمرانی کاهش می‌یابد و نظم اجتماعی به‌صورت خودجوش در جامعه تکثیر می‌شود و در کنار این معنا، هویت جمعی نیز ستون دیگر این بناست، زیرا انسان هنگامی قانون را رعایت می‌کند که احساس تعلق به شهر و مردم در او زنده باشد و هرچه این هویت تقویت شود، رفتارهای قانون‌گریز کاهش می‌یابد و شهر به سمت آرامش رفتاری حرکت می‌کند و در کنار این عوامل، الگوهای رفتاری نیز نقش‌آفرین‌اند، زیرا مردم رفتار مسئولان، مدیران و چهره‌های اجتماعی را مشاهده می‌کنند و از آنان الگو

مرز میان ریسک تجاری و تقصیر مدیریتی؛ اختیارات و تکالیف هیئت‌مدیره در ترازوی قانون

فرناز صابری – مشاور حقوقی امور شرکت‌ها و کارآموز کارشناسی رسمی دادگستری در حوزه ثبت شرکت‌ها، علائم تجاری و اختراعات

فعالیت در دنیای پرشتاب تجارت معاصر ذاتاً با عنصر عدم قطعیت و پذیرش ریسک‌های حساب‌شده گره خورده است و هیچ بنگاه اقتصادی نمی‌تواند بدون اتخاذ تصمیمات متهورانه و گام نهادن در بازارهای نوین به سودآوری و بقا دست یابد؛ با این حال، سرمایه شرکت امانتی در دستان هیئت‌مدیره است که از محل آورده‌های سهامداران و اعتبارات بستانکاران فراهم آمده و نیازمند صیانت و مراقبت مستمر است. این تقابل بنیادین، حقوق تجارت مدرن را با پرسشی اساسی روبرو می‌سازد که مرز میان یک تصمیم تجاری متهورانه اما ناموفق با تصمیمی زیان‌بار مبتنی بر تقصیر، بی‌مبالاتی و سوءتدبیر کجاست. چنانچه نظام حقوقی دست مدیران را در مدیریت ریسک به کلی باز بگذارد و سازوکار نظارت و پاسخگویی مؤثری پیش‌بینی نکند، بستر مناسبی برای سوءاستفاده و تضییع دارایی‌های شرکتی فراهم می‌شود و در نقطه مقابل، اگر حقوق با رویکردی انعطاف‌ناپذیر و سخت‌گیرانه هرگونه تصمیم ناموفق را موجب ضمان و مسئولیت شخصی مدیر بدانند، پدیده‌ای تحت عنوان محافظه‌کاری مفرط مدیریتی بروز خواهد کرد که شایسته‌ترین نخبگان اقتصادی را از پذیرش سکان‌داری شرکت‌ها گریزان ساخته و پویایی بازار سرمایه را با رکود مواجه می‌کند.

برای فهم دقیق این مرزبندی، ابتدا باید ماهیت رابطه حقوقی مدیران با شخص حقوقی تبیین گردد؛ نظریه سنتی مندرج در متون کلاسیک حقوق تجارت، مدیران را وکیل صاحبان سهام و شرکت می‌دانست و بر این مبنا به موجب قواعد عام وکالت در قانون مدنی، مدیران را صرفاً در حدود اذن مأذون شمرده و آنان را ملزم به رعایت غبطه و مصلحت موکل می‌کرد به نحوی که هرگونه خروج از مصلحت یا تجاوز از حدود اذن موجب مسئولیت قهری و ضمان ید می‌شد. اما با تکامل شخصیت حقوقی شرکت‌های سهامی مدرن و تفکیک قطعی مالکیت از مدیریت، نظریه وکالت رنگ باخت و نظریه ارگان یا اندام شخص حقوقی جایگزین آن شد؛ بدین معنا که هیئت‌مدیره نه صرفاً نماینده‌ای قراردادی، بلکه رکن تصمیم‌گیرنده و مغز متفکر شرکت است که اعمال آن عیناً عمل خود شخص حقوقی به شمار می‌رود. با این وجود، به لحاظ تکالیف امانت‌داری، مدیران همواره در موقعیت امین قرار داشته و هرگونه اقدام خارج از موازن امانت و مراقبت متعارف، تعدی و تفریط نسبت به اموال امانی تلقی شده و

ارکان مسئولیت مدنی را شکل می‌دهد.

در نظام حقوقی ایران، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در ماده ۱۱۸ اختیارات گسترده‌ای به هیئت‌مدیره اعطا کرده و مقرر داشته که این ارکان دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند مشروط بر آنکه تصمیمات آن‌ها خارج از موضوع شرکت نباشد و حتی تصریح نموده که تحدید اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع در برابر اشخاص ثالث باطل و کان‌لم‌یکن است تا بدین‌وسیله امنیت معاملات تجاری تضمین گردد. با این حال، در کفه دیگر ترازو، ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی به عنوان محور مسئولیت مدنی مدیران مقرر می‌دارد که مدیران و مدیرعامل در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی، اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول بوده و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین می‌کند. چالش عمیق در این ساختار قانونی آن است که در آن مسئولیت صرفاً بر پایه نقض صریح متن قانون، اساسنامه یا مصوبه مجمع تعریف شده و نسبت به مفهوم سوءمدیریت فنی یا تصمیمات غیرعقلانی و خسارت‌باری که در ظاهر با هیچ متن قانونی یا اساسنامه‌ای اصطکاک ندارند، سکوت کرده است؛ در نتیجه، محاکم ناگزیر برای جبران زیان‌های ناشی از تصمیمات غیرعقلانی مدیران به قواعد کلی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، قواعد فقهی اتلاف و تسبیب و اصل لاضرر متوسل می‌شوند که به دلیل ابهام و کلیت، رویه قضایی را دچار تششت و تفسیرهای متناقض نموده است.

در سطح تطبیقی، نظام‌های حقوقی پیشرو با درک این پیچیدگی، سازوکارهای متمایزی تأسیس کرده‌اند؛ برای نمونه، در حقوق شرکت‌های ایالات متحده آمریکا به‌ویژه در ایالت دلاور، دکترین مشهور «قاعده قضاوت تجاری» حاکم است. بر اساس این قاعده، مدیران مکلف به رعایت دو وظیفه بنیادین امانت‌داری یعنی «تکلیف مراقبت» و «تکلیف وفاداری» هستند، اما دادگاه‌ها فرض اولیه را بر این می‌گذارند که تصمیم مدیران با حسن‌نیت، بر پایه آگاهی و اطلاعات کافی و در راستای مصلحت شرکت اتخاذ شده است و تا زمانی که خواهان نتواند وجود سوءنیت، تعارض منافع شخصی، تقلب یا بی‌مبالاتی فاحش را اثبات نماید،

محاکم از ورود به ماهیت تصمیم تجاری و قضاوت پسینی در مورد درستی یا نادرستی اقتصادی آن خودداری می‌کنند. از سویی دیگر در حقوق فرانسه، طبق ماده L. ۲۲۵-۲۵۱ قانون تجارت، مدیران نه تنها در برابر تخلف از قوانین و اساسنامه، بلکه در قبال «خطای مدیریتی» نیز مسئول شناخته می‌شوند؛ با این حال رویه قضایی فرانسه با تأکید بر اینکه تعهد مدیر یک «تعهد به وسیله» است و نه «تعهد به نتیجه»، رفتار مدیر را با استاندارد یک «مدیر متعارف و محتاط» در همان اوضاع و احوال می‌سنجد و میان شکست ناشی از نوسانات اجتناب‌ناپذیر بازار و سهل‌انگاری غیرقابل اغماض تفکیک قائل می‌شود، به طوری که اگر مدیر پیش از تصمیم‌گیری فرآیند ارزیابی ریسک را به درستی طی کرده باشد، صرف عدم حصول سود هرگز به عنوان خطای مدیریتی تلقی نخواهد شد.

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران از فقدان یک ضابطه استاندارد و تخصصی برای ارزیابی تصمیمات مدیریتی رنج می‌برد و این امر در فرآیند دادرسی و کارشناسی‌های رسمی دادگستری آسیب‌زا است، زیرا کار جای تحلیل وضعیت، اطلاعات و ریسک‌های موجود در لحظه اتخاذ تصمیم، از روی نتیجه ناگوار جای تحلیل وضعیت، اطلاعات و ریسک‌های موجود در لحظه اتخاذ تصمیم، از روی نتیجه ناگوار به بار آمده در آینده، حکم به تقصیر مدیر صادر می‌کنند، در حالی که ماهیت تجارت متضمن تضمین سود نیست و مدیر مکلف به اعمال دقت، شفافیت، احتیاط و جمع‌آوری اطلاعات تخصصی است نه تضمین عدم نوسان بازار. بنابراین، تقصیر مدیریتی تنها زمانی احراز می‌شود که مدیر استانداردهای رفتاری امانت‌داری را زیر پا بگذارد، از موازن حاکمیت شرکتی عدول کند یا تصمیمش بر پایه فقدان اطلاعات و تعارض منافع شخصی استوار باشد؛ تفکیکی حیاتی که فقدان صراحت آن در قانون تجارت فعلی ضرورت اصلاحات قانونی و هدایت هدفمند رویه قضایی را دوچندان می‌سازد. با روشن شدن مبانی و چارچوب حقوقی تقصیر و حدود اختیارات مدیران، در یادداشت بعدی به این پرسش کلیدی خواهیم پرداخت که در صورت وقوع این تخلفات، شرکت چگونه و از طریق چه سازوکارهایی می‌تواند علیه مدیران خود اقدام دعوا کرده و خسارات وارده به سرمایه و دارایی‌های شخص حقوقی را جبران نماید.



شهرزاد یمینی‌راد
وکیل پایه یک دادگستری

حق پخش مسابقات فوتبال؛ مالک تصویر مسابقه و درآمد آن کیست؟

جدی فوتبال مدرن، بازپخش یا انتشار غیرمجاز مسابقات در اینترنت است. پخش غیرمجاز می‌تواند ارزش اقتصادی قراردادهای رسانه‌ای را کاهش دهد و حقوق برگزارکننده، صاحب حق و حتی رسانه‌ای را که برای دریافت مجوز هزینه کرده است، تحت تأثیر قرار دهد. WIPO نیز سرقت سیگنال و بازپخش غیرمجاز مسابقات زنده را از چالش‌های مهم حقوق رسانه‌ای ورزش می‌داند و بر نقش حقوق مالکیت فکری و قواعد ملی و بین‌المللی در مقابله با آن تأکید دارد. (WIPO) حق پخش؛ درآمدی برای توسعه فوتبال ارزش حق پخش فقط به درآمد مستقیم برگزارکننده محدود نمی‌شود. حقوق رسانه‌ای می‌تواند یکی از منابع اصلی تأمین مالی ورزش حرفه‌ای باشد و درآمد حاصل از آن در ساختارهای مختلف برای برگزاری مسابقات، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از فوتبال پایه مورد استفاده قرار گیرد. به همین دلیل، WIPO حقوق رسانه‌ای را از مهم‌ترین منابع درآمدی بسیاری از سازمان‌های ورزشی معرفی می‌کند. (WIPO) در واقع، وقتی درباره «اقتصاد فوتبال» صحبت می‌کنیم، نمی‌توان حق پخش را از معادله حذف کرد. سخن پایانی حق پخش مسابقات فوتبال، نقطه تلاقی حقوق ورزش، مالکیت فکری و قراردادهای تجاری است. در فوتبال حرفه‌ای، تصویر یک مسابقه صرفاً محتوایی برای تماشا نیست؛ یک دارایی اقتصادی است که می‌تواند موضوع مالکیت، مجوز، قرارداد، انحصار و حتی اختلاف حقوقی قرار گیرد. گسترش پلتفرم‌های دیجیتال نیز این مسئله را پیچیده‌تر کرده است؛ زیرا مرز میان تلویزیون، اینترنت و رسانه‌های اجتماعی روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

رقابت‌ها از جمله حقوق رسانه‌ای در اختیار یوفا قرار گرفته است. در مقررات لیگ اروپا ۲۶/۲۰۲۷، یوفا مالک و بهره‌بردار انحصاری حقوق تجاری مسابقه معرفی شده و حقوق رسانه‌ای مسابقات، به استثنای مراحل مشخص‌شده، توسط یوفا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. (UEFA Documents) در مسابقات ملی نیز ممکن است ساختار متفاوت باشد و فدراسیون، لیگ یا برگزارکننده مسابقه مطابق مقررات مربوط، صاحب یا بهره‌بردار این حقوق باشد.

پس نمی‌توان با یک قاعده کلی گفت که «تصویر مسابقه همیشه متعلق به باشگاه است» یا «همیشه متعلق به تلویزیون است». مالکیت و اختیار بهره‌برداری باید از مقررات همان رقابت و قراردادهای مربوط استخراج شود. قرارداد با رسانه؛ انتقال حق یا اعطای مجوز؟ رابطه میان برگزارکننده مسابقه و شبکه یا پلتفرم رسانه‌ای معمولاً از طریق قرارداد تنظیم می‌شود.

در این قرارداد می‌توان قلمرو جغرافیایی، مدت، نوع رسانه، پخش زنده یا ضبط‌شده، بازپخش، محتوای کوتاه و سایر حدود بهره‌برداری را مشخص کرد. اهمیت این تفکیک در آن است که رسانه لزوماً «مالک» خود مسابقه نمی‌شود؛ بلکه ممکن است مجوز بهره‌برداری از حقوق رسانه‌ای را برای مدت و قلمرو مشخص دریافت کند. سازمان جهانی مالکیت فکری نیز تأکید می‌کند که حقوق رسانه‌ای ورزشی معمولاً از طریق قراردادهای مجوز و بهره‌برداری تجاری به رسانه‌ها واگذار می‌شوند و حقوق می‌تواند از نظر جغرافیایی، زمانی و نوع استفاده تفکیک شود. پخش غیرمجاز؛ یک مسئله صرفاً فنی نیست یکی از چالش‌های

وقتی یک مسابقه فوتبال از تلویزیون، پلتفرم اینترنتی یا شبکه‌ای خارجی پخش می‌شود، آنچه مخاطب می‌بیند فقط یک تصویر ورزشی نیست؛ پشت این تصویر، مجموعه‌ای از حقوق مالی، قراردادی و مالکیت فکری قرار دارد که برای باشگاه‌ها، لیگ‌ها، فدراسیون‌ها و رسانه‌ها ارزش اقتصادی قابل توجهی ایجاد می‌کند. به همین دلیل، حق پخش مسابقات فوتبال یکی از مهم‌ترین دارایی‌های تجاری فوتبال حرفه‌ای محسوب می‌شود. حق پخش دقیقاً چیست؟ در ادبیات حقوق ورزش، «حقوق رسانه‌ای» دامنه‌ای گسترده‌تر از پخش تلویزیونی سنتی دارد. این حقوق می‌تواند ایجاد، توزیع و انتقال پوشش تصویری، صوتی و سمعی - بصری مسابقات را در قالب پخش زنده یا ضبط‌شده، تلویزیون، رادیو، اینترنت، موبایل و سایر فناوری‌ها دربرگیرد. مقررات جاری یوفا نیز «حقوق رسانه‌ای» را با همین رویکرد گسترده تعریف کرده است. بنابراین، حق پخش امروزی فقط به شبکه تلویزیونی محدود نیست؛ استریم اینترنتی، محتوای درخواستی، بازپخش و برخی قالب‌های دیجیتال نیز می‌توانند در قلمرو حقوق رسانه‌ای قرار گیرند. مالک حق پخش چه کسی است؟ پاسخ این سؤال یکسان و جهانی نیست و به مسابقه، مقررات برگزارکننده و ساختار حقوقی هر رقابت بستگی دارد.

برای نمونه، در مقررات مسابقات یوفا، حقوق تجاری برخی



السا سنگاری
رئیس کمیته حقوق قراردادهای بین
المللی سازمان اینسکو

هوش مصنوعی در قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی

پیش‌بینی نتیجه استفاده می‌شود، توصیه‌ها باید مشورتی و غیرالزام‌آور باقی بمانند مگر با رضایت صریح طرفین .

حاکمیت و نظارت:

فراتر از کارایی کاربرد AI در قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی تنها یک مسئله فنی نیست، بلکه به حاکمیت، مسئولیت‌پذیری و عدالت رویه‌ای گره خورده است. اسناد بین‌المللی بر ضرورت ایجاد سازوکارهای نظارتی تأکید دارند:

الزام به افشای روش‌شناسی:

هر شواهد کارشناسی مبتنی بر AI باید روش، مجموعه داده و الگوریتم زیربنایی خود را افشا کند و طرفین حق بازآزمایی آن را با کارشناس انسانی داشته باشند . پلتفرم‌های پایش مشترک: ایجاد پلتفرم‌های پایش زیست‌محیطی مبتنی بر AI (شامل تصاویر ماهواره‌ای و حسگرهای اینترنت اشیا) با حاکمیت مشترک کشورهای میزبان و مبدأ، می‌تواند شفافیت را افزایش داده و عدم تقارن اطلاعاتی را که اغلب به اختلافات سرمایه‌گذاری دامن می‌زند، کاهش دهد .

تقویت توان نهادی:

کشورهای میزبان، به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، برای تفسیر خروجی‌های AI و اجرای انطباق به ظرفیت‌سازی نیاز دارند. بدون آموزش رگولاتورها، خطر تصمیم‌گیری مبهم و غیرقابل پاسخگویی افزایش می‌یابد . جمع‌بندی AI در قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی از یک سو ابزار تحلیل و کارایی است و از سوی دیگر موضوع نظارت و چالش حقوقی. کاربرد آن در مذاکره و مدیریت قرارداد در حال گسترش است، اما در داوری سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های ماهوی (خطر توهّم، عدم شفافیت) و هنجاری (ممنوعیت تفویض قضاوت) آن را از تبدیل شدن به یک «قاضی خودکار» بازمی‌دارد. آینده این حوزه نه به توان فنی مدل‌ها، بلکه به چارچوب‌های حاکمیتی بستگی دارد که بتوانند میان کارایی فناوریانه و مشروعیت حقوقی تعادل برقرار کنند.

سرمایه‌گذاری فرامرزی) . ترجمه دقیق اصطلاحات حقوقی به بیش از ۴۰ زبان را فراهم کنند و امکان امضای دوزبانه را فراهم سازند .

شرایط کلیدی مانند شروط پرداخت یا مسئولیت نقض قرارداد را در چند ثانیه استخراج کنند . داوری سرمایه‌گذاری: کاربردها و محدودیت‌ها در مرحله حل اختلاف (داوری سرمایه‌گذاری)، AI پتانسیل قابل‌توجهی دارد، اما با محدودیت‌های جدی روبروست. کاربردهای بالفعل: تحلیل پیش‌بینانه: با توجه به حجم بالای آرای عمومی در داوری سرمایه‌گذاری (بیش از ۶۵۰ رأی) و ماهیت تکرارشونده و دوقطبی بسیاری از مسائل حقوقی (مانند صلاحیت)، AI می‌تواند الگوهای تصمیم‌گیری را شناسایی کند و پیش‌بینی‌هایی از نتیجه ارائه دهد .

پژوهش حقوقی و بازبایی اطلاعات:

ابزارهای جستجوی مبتنی بر AI می‌توانند بندهای مرتبط را از میان هزاران سند استخراج کرده و خلاصه‌سازی طولانی‌مدت انجام دهند . محدودیت‌ها و خطرات: توهّم (AI): Hallucination ممکن است پاسخ «محتمل» تولید کند که لزوماً وجود خارجی ندارد. پروفیسور مکس شرر (Maxi Scherer) در سخنرانی خود هشدار می‌دهد:

«تنها راه بررسی، خواندن واقعی پرونده است» .

خطر توهّم در داوری سرمایه‌گذاری به دلیل دسترسی عمومی به آراء، بیشتر از داوری تجاری است . عدم شفافیت الگوریتمی: وقتی تحلیل مبتنی بر مدل‌هایی باشد که فرآیند درونی آن‌ها قابل توضیح نیست، امکان بازآزمایی (-cross examination) شواهد تضعیف می‌شود. رویه داوری موجود هنوز مستقیماً به این چالش پاسخ نداده است . ممنوعیت تفویض تصمیم‌گیری: اجماع بر این است که AI نباید جایگزین قضاوت انسانی داور شود. اصول شش‌گانه پیشنهادی برای تنظیم AI در داوری شامل سواد AI، ممنوعیت تفویض تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری، امنیت اطلاعات، آگاهی از سوگیری و شفافیت است . حتی در مواردی که از AI برای

هوش مصنوعی در قراردادهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی، نقشی دوگانه و چندلایه ایفا می‌کند: از یک سو ابزاری برای تقویت قدرت چانه‌زنی و تحلیل ریسک است، و از سوی دیگر در مرحله اجرای تعهدات و حل‌وفصل اختلافات به کار می‌رود. با این حال، این فناوری هنوز جایگزین «قضاوت انسانی» نشده و با چالش‌های جدی در زمینه شفافیت، مسئولیت‌پذیری و یکپارچگی رویه‌ای روبروست.

تحلیل ریسک و تقویت قدرت چانه‌زنی مهم‌ترین کاربرد عملی AI در مرحله پیش از انعقاد قرارداد، تحلیل کلان‌داده‌ها برای شناسایی و کمی‌سازی ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی است.

مطالعات نشان می‌دهد دولت‌ها با استفاده از AI می‌توانند توان تحلیلی خود را در مذاکره با سرمایه‌گذاران خارجی به‌طور معناداری افزایش دهند . AI با پردازش داده‌های سیاسی و اقتصادی، ارزیابی دقیق‌تری از ریسک‌های سرمایه‌گذاری در یک کشور ارائه می‌دهد و به شناسایی فرصت‌ها کمک می‌کند .

در سطح نهادی نیز نمونه‌هایی از به‌کارگیری AI به‌عنوان «وکیل مدافع شیطان» (Devil's Advocate) در کمیته‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌های ثروت ملی دیده می‌شود؛ این ابزار پرسش‌های انتقادی و چالش‌برانگیزی را پیش از تأیید یک معامله مطرح می‌کند .

مدیریت چرخه عمر قرارداد و انطباق در مرحله تنظیم و اجرای قرارداد، ابزارهای AI به‌طور فزاینده‌ای برای کاهش هزینه‌های انطباق و غلبه بر موانع زبانی به کار می‌روند. نمونه‌ای از این کاربردها، پلتفرم‌های مدیریت قرارداد مبتنی بر AI هستند که قادرند: ریسک‌های حقوقی محلی را در بیش از ۷۰ کشور و منطقه شناسایی کنند (مثلاً تشخیص تعارض شروط قرارداد با قوانین کار محلی در قراردادهای

الزام قانونی بانک به فک رهن و آزادسازی فوری وثایق



عاطفه صدری
وکیل دادگستری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

نمی‌تواند تمام وثیقه را نگه دارد.

شرط اصلی تحقق این الزام، پرداخت کامل یا متناسب بدهی است. نظریه اداره کل حقوقی قوه قضاییه تصریح دارد چنانچه رهن کل مطالبات را پرداخت کند، بانک علی‌الاصول باید فک و اعاده وثیقه را انجام دهد، مگر شرط دیگری در قرارداد رهن مقرر شده باشد. همچنین اگر رهن آمادگی تسویه را اعلام کند و بانک از اقدام عملی امتناع نماید، عدم استیفای مطالبات به بانک منتسب است و از تاریخ درخواست مشتری، حق دریافت جریمه و سود اضافی با تردید جدی مواجه است.

در فرض امتناع بانک پس از تسویه، رهن می‌تواند دعوای الزام به فک رهن را در دادگاه صالح اقامه کند. مدارکی مانند فیش‌های واریزی، مفاسحساب و استعلام مانده بدهی ارائه می‌شود و دادگاه در صورت احراز تسویه، بانک را به تنظیم و امضای اسناد فک رهن ملزم می‌نماید. تأخیر بانک، مسئولیت قراردادی و مدنی نیز به دنبال دارد. اگرچه برخی استتکاف بانک را ائتلاف مال موضوع ماده ۳۲۸ قانون مدنی می‌دانند، رویه قضایی چنین امتناعی را ائتلاف مال نمی‌داند و راهکار اصلی، همان دعوای الزام به فک رهن است. در وثایق متعدد، رویه قضایی پیش از قانون رفع موانع

پس از تسویه کامل بدهی، تکلیف بانک به فک رهن یک الزام قانونی است، نه امتیازی قابل امتناع. ماده ۷۸۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد هرگاه رهن دین خود را بپردازد، رهن منفسخ شده و رهن می‌تواند آزادسازی وثیقه را مطالبه کند. این حکم در مورد واحدهای تولیدی با بند «الف» ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ تقویت شده است. به موجب این بند، بانک مکلف است متناسب با بازپرداخت هر بخش از تسهیلات، وثیقه مربوط را آزاد کند، حتی اگر بخشی از دین باقی باشد. پس اگر وام‌گیرنده بخشی از بدهی را تسویه کند، بانک

تولید مقرر می‌داشت اگر برای دینی چند وثیقه گرفته شده باشد، تا تأدیه کامل دین هیچ‌یک فک نمی‌شود. اما این رویکرد نسبت به واحدهای تولیدی با بند «الف» ماده ۱۹ قانون ۱۳۹۴ که قانون خاص مؤخر است، تعدیل شده و آزادسازی تدریجی وثیقه پیش‌بینی گردیده است. همچنین در صورت افزایش ارزش وثیقه، بانک مکلف است وثیقه مازاد را آزاد یا جایگزین نماید. عملاً رهن باید ابتدا درخواست رسمی تسویه و مفاسحساب از بانک بگیرد و در صورت عدم صدور سند فک رهن در مهلت معقول، دعوای الزام به فک رهن مطرح کند.

به عنوان یک وکیل بر این باورم که الزام بانک به فک رهن امروز از قاعده تکمیلی فراتر رفته و به حکمی با ضمانت اجرای قضایی تبدیل شده است. بند «الف» ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید، تعهد بانک را نه فقط به پرداخت کل دین، بلکه به تناسب پرداخت با آزادسازی وثیقه پیوند زده و موضع بانک را از طلبکار ممتاز، به نهادی مکلف به پاسخگویی در برابر مالکیت رهن تغییر داده است. رویکرد صحیح آن است که پس از تسویه، درخواست رسمی فک رهن همراه با مهلت معقول به بانک ابلاغ شود و در صورت امتناع، دادخواست الزام به فک رهن مطرح گردد.

الزامات قراردادی در فرآیندهای گمرکی و تأثیر آن بر تجارت خارجی



ساناز مرادی
وکیل پایه یک دادگستری

یا صندوق ضمانت صادرات استفاده کنند، در حالی که سایر فعالان اقتصادی ملزم به ارائه ضمانتنامه بانکی یا بیمه‌ای معتبر هستند. این تفکیک نشان می‌دهد سیاست‌گذار گمرکی به دنبال ایجاد تعادل میان تسهیل تجارت و تضمین حقوق دولت است. انبارهای اختصاصی: قراردادی با مسئولیت سنگین یکی از مهم‌ترین قراردادهای گمرکی، توافق‌نامه انبار اختصاصی است. در این قرارداد، متقاضی متعهد می‌شود انباری با شرایط مشخص (مسقف، دارای دو قفل که یک کلید آن در اختیار گمرک است، مجهز به سیستم اعلام حریق و نگهبانی ۲۴ ساعته) فراهم کند.

نکته کلیدی این قرارداد، انتقال مسئولیت است: «مسئولیت پذیرش، حفاظت و نگهداری کالا از هنگام حمل تا انبار و در مدت نگهداری، بر عهده صاحب انبار اختصاصی است».

به عبارت دیگر، برخلاف انبارهای عمومی که گمرک مسئولیت دارد، در انبار اختصاصی تمام ریسک بر دوش صاحب کالا است و حتی در صورت فساد یا آسیب، پرداخت حقوق ورودی همچنان بر عهده اوست، مگر در موارد قوه قهریه. الزامات ارزش‌گذاری و اظهار ارزش‌گذاری گمرکی، هسته اصلی تعهدات مالی در قراردادهای وارداتی است. ماده ۱۵ قانون امور گمرکی، روش‌های پنج‌گانه ارزش‌گذاری را به ترتیب تقدم تعیین کرده است: سوابق ترخیص کالای مشابه، قیمت فروش داخلی، ارزش محاسباتی و در نهایت ارزش‌گذاری بر مبنای اطلاعات موجود.

در صادرات نیز ارزش گمرکی بر اساس قیمت فروش به‌علاوه هزینه‌های بیمه و حمل تا خروج از قلمرو گمرکی تعیین می‌شود و در صورت نامتناسب بودن، گمرک می‌تواند با اخذ تعهد، رسیدگی را به بعد از صدور موکول کند. اظهار خلاف واقع، پیامدهای سنگینی دارد. ماده ۱۰۷ قانون امور گمرکی برای اظهار کمتر از میزان مقرر

قراردادهای گمرکی، مجموعه‌ای از تعهدات و الزاماتی هستند که میان فعالان اقتصادی و گمرک ایران در چارچوب قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ و آیین‌نامه اجرایی آن شکل می‌گیرند. این قراردادهای نه صرفاً اسنادی اداری، بلکه ابزارهای حقوقی تعیین‌کننده سرنوشت کالا، مسئولیت‌های مالیاتی و تضامین مورد نیاز برای ترخیص هستند. در فضای تجارت خارجی ایران که با محدودیت‌های ارزی و تحریمی دست‌وپنجه نرم می‌کند، شناخت دقیق این الزامات برای هر واردکننده و صادرکننده‌ای حیاتی است. انواع قراردادهای تضامین گمرکی قانون امور گمرکی ایران، تضمین را به‌عنوان «وجه نقد، ضمانتنامه بانکی یا بیمه‌نامه معتبری که برای اجرای الزامات مندرج در مقررات گمرکی نزد گمرک سپرده می‌شود» تعریف کرده است.

این تضامین بسته به نوع رویه گمرکی، متفاوت هستند. در واردات قطعی، پرداخت نقدی یا ارائه ضمانتنامه بانکی الزامی است. در ورود موقت، تضمین یا تعهد (بسته به نوع کالا) دریافت می‌شود. در ترانزیت خارجی، علاوه بر تضمین، امکان استفاده از کارنه تیر یا تعهد نیز وجود دارد. دستورالعمل سال ۱۴۰۵ گمرک ایران، رویکرد حمایتی تازه‌ای را در پیش گرفته است. شرکت‌های دانش‌بنیان منتخب می‌توانند از ضمانتنامه صندوق نوآوری و شکوفایی

در صادرات، جریمه‌ای بین ۵ تا ۵۰ درصد مابه‌التفاوت تعیین کرده است.

اگر ارزش کالا بیش از ۱۰ درصد کمتر یا بیشتر از واقع اظهار شود، جریمه به ۱۰ تا ۱۰۰ درصد مابه‌التفاوت افزایش می‌یابد. تحولات دیجیتال و موافقتنامه‌های تجاری الزامات قراردادی گمرکی در حال تحول دیجیتال است.

از ابتدای سال ۱۴۰۵، استفاده از «سامانه اوراسیا» در بستر سامانه جامع امور گمرکی (EPL) برای بهره‌مندی از تخفیفات تعرفه‌ای موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا الزامی شده است. عدم استفاده از این سامانه، اظهارنامه‌های وارداتی را در حکم «کشور ثالث» قرار می‌دهد و حقوق ورودی کامل اخذ خواهد شد.

همچنین امکان تغییر عنوان اظهارنامه واردات قطعی به اظهارنامه مشمول موافقتنامه اوراسیا تا پیش از ترخیص فراهم شده تا از ابطال اظهارنامه و تکرار تشریفات جلوگیری شود.

جمع‌بندی الزامات قراردادی گمرکی، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از تعهدات مالی، تضامین، مسئولیت‌های نگهداری و الزامات اطلاعاتی است که هر فعال اقتصادی باید پیش از ورود به چرخه تجارت خارجی آن‌ها را بشناسد. از یک سو، سخت‌گیری در اخذ تضامین و مسئولیت‌پذیری کامل در انبارهای اختصاصی، ریسک را به دوش فعال اقتصادی منتقل می‌کند. از سوی دیگر، تسهیلات هدفمند برای شرکت‌های دانش‌بنیان و امکان اصلاح سیستمی اظهارنامه، نشان‌دهنده حرکت تدریجی به سمت هوشمندسازی و کاهش بار بوروکراتیک است. برای تجار ایرانی، درک این تعادل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی، کلید موفقیت در بازارهای داخلی و بین‌المللی است.